



10
07
19

شنبه
۱۹ تیر ۱۳۹۸
شماره ۲۸۶۹

به وقت شله

مهدی محمدی

چگونه بودجه بی‌زبان مملکت را حیفاومیل کنیم؟

مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان گفته: بیش از ۲میلیارد تومان لازم است تا پروژه‌های نیمه‌تمام کتابخانه‌های خراسان رضوی تمام شود. شما را نمی‌دانم، ولی خودم حالم بد می‌شود وقتی اسم بودجه برای کتابخانه را می‌شنوم. مگر چند نفر در کتابخانه‌های عمومی فعال شهر رفت‌وآمد دارند که حالا نباید ۲میلیارد پول بی‌زبان به کتابخانه‌های نیمه‌تمام داده شود؟ به هر کتابخانه‌ای رفته‌ام، مراجعه کنندگانش کمتر از کارکنان کتابخانه بوده‌اند، فقط سالن مطالعه شلوغی داشتند که آن‌هم ناشی از حضور پشت کنکوری‌ها بود. از این پولی که خرج ساخت یا مرمت کتابخانه شود، اسراف است. کتابخانه ساختن هم مثل ساختن پل عابر پیاده است؛ پول خرج می‌شود و فقط یک فضای بلااستفاده ساخته می‌شود. به نظر من بهتر است همین کتابخانه‌هایی را که هستند، هم به مزایده بگذارند و بفروشند. بعد فروش هم یک نفر دم در کتابخانه‌های سابق مستقر شود و اگر یک عضو کتابخانه هم برای امانت گرفتن کتاب آمد، از او پرسید: کدام کتاب را می‌خواستی امانت بگیری؟ هر کتابی که خواست، پول همان کتاب را به شخص بدهد و بگوید برو کتاب بخور، مال خود خودت! خنده‌دار به نظر می‌رسد ولی باور کنید این روش، بودجه کمتری می‌برد. یاد آمد حدود دو سال پیش که به کتابخانه عمومی فردوسی مشهد رفته بودم، سه‌تا دانش‌آموز آمده بودند و می‌خواستند برای یک موضوع، تحقیقی آماده کنند. پرسیدم می‌شود بدون عضو شدن یک کتاب به امانت بگیرند و بروند سالن مطالعه بالانکات موردنیازشان را بنویسند و بعد کتاب را برگردانند؟ کتابدار درخواست آن‌ها را قبول کرد. بعد هم با لیند به آن‌ها پیشنهاد داد عضو کتابخانه شوند و گاهی چندتا کتاب به امانت بگیرند. یک جور به کتابدار نگاه کردند که انگار پیشنهاد بی‌شرمانه‌ای به آن‌ها داده شده است. آن چنان قاطع گفتند نه، عضو کتابخانه نمی‌شویم که انگار درخواست شده بود عضو یک بانک تپه‌کاری و آدم‌کشی شوند. آنجا بود که با خودم گفتم اگر تمام دانش‌آموزان کشور همان‌طور که این‌ها در مقابل عضو شدن کتابخانه نه گفتند، در مقابل موادمخدر نه می‌گفتند، ما شاهد پدیده اعتیاد دانش‌آموزی نبودیم. شاید با خودتان بگویید چقدر نویسند نگران وضعیت کتاب و کتابخوانی است که درباره‌اش طنز نوشته ولی این طور نیست. من درباره کتاب و کتابخوانی طنز نوشتم؛ چون این مورد لازم نیست به مغز فشار بیاورم تا طنز بنویسم. همین قدر که واقعیت وضعیت کتاب و کتابخوانی را بنویسم، به صورت خود کار خودش طنز می‌شود.

خوددرگیری با در بطری

درباره چالش‌های بی‌هدف مجازی و چالش باز کردن در بطری که حتی به رسانه ملی هم کشیده شده است

روزنامه‌نگار



طرح: محمد رضا امیرشاه‌واد

چالش‌های فضای مجازی انواع‌انواع دارد. برخی شان اهداف خیرخواهانه را دنبال می‌کند. تا به حال چالش‌های زیست‌محیطی زیادی به راه افتاده‌اند، مثل چالش جمع‌آوری زباله از جنگل یا ساحل و کم‌نبوده‌اند چالش‌هایی که برای کمک به بیماران راه‌اندازی شده‌اند، مثل چالش سطل آب یخ که برای همدردی با بیماران ای‌ال‌اس به راه افتاد. اما چالش‌های زیادی هم هستند که چیزی را جز خنده و مسخره‌بازی دنبال نمی‌کنند و هدف درستی پشتشان نیست؛ درست مثل چالش سر بطری که این روزها در فضای مجازی داغ شده است و صبح دیروز سر از آنتن زنده شبکه ۳ سیما درآورد!

● ژانگولربازی روی آنتن چالش «سر بطری» در ابتدا مخصوص ورزشکاران بود اما کمی بعد در بین مردم عادی هم طرفدار پیدا کرد؛ چالشی که در آن باید در یک بطری را بدون اینکه خود بطری به زمین بیفتد، با ضربه یا باز کنید. در این چالش یک نفر بطری را نگه می‌دارد و فرد دیگر با ضربه چرخشی یا فقط به در بطری ضربه می‌زند؛ البته همیشه همه چیز طبق نقشه پیش نمی‌رود و با مرور ویدئوهای مربوط به این چالش، می‌توان مصدمیت‌های زیادی را دید. نخستین بار یک استاد مشهور تکواندو این کار را انجام داد و زمانی چالش به شهرت رسید که جیسیون استاتهام، بازیگر مشهور هالیوود هم چنین کاری را انجام داد. او با ضربه یا در بطری را باز کرد اما حالا پس از چند روز که شرکت‌کنندگان بسیاری به این چالش اضافه شده‌اند، یک اکانت اینستاگرامی ویدئویی منتشر کرده است که در آن معلوم می‌شود جیسیون استاتهام از جلوه‌های ویژه برای انجام این چالش استفاده کرده است. نکته عجیب این چالش، اجرای آن در صداوسیما کشورمان است. صبح دیروز در برنامه «سلام صبح‌بخیر» شبکه ۳، رئیس فدراسیون کاراته به این چالش پیوست و مجری نیز سعی کرد در بطری را با ضربه یا باز کند. اینکه چالش باز کردن در بطری روی آنتن زنده صداوسیما اجرا شد، اتفاق عجیبی بود که انتقاد کاربران فضای مجازی را هم در پی داشت؛ مثل کاربری که نوشته بود: «واقعاً جای تالسف داره که برنامه‌های تلویزیون این‌قدر به پوچی رسیدن و هر ژانگولربازی‌ای که توی فضای مجازی داغ می‌شه رو به برنامه میارن».

بسیاری از کشورهای دنیا از جمله اسپانیا با برخورد جدی پلیس همراه شد.

بستنی را سرچایش می‌گذارد. همین ویدئوی کوتاه باعث شد چالش لیس زدن بستنی در آمریکا به‌راه بیفتد و کمی بعد آن‌قدر گسترش پیدا کند که مغازه‌داران مجبور شوند در یخچال‌هایشان را قفل کنند. از طرفی پلیس اعلام کرد خانمی که اولین ویدئو را منتشر کرده است، تحت تعقیب است و ممکن است به جریمه ۲۰ هزار دلاری و تا ۲۰ سال زندان، محکوم شود.

نمود. سال ۲۰۱۶ یک دانش‌آموز اهل فلوریدا با انتشار یک ویدئو از ثابت ماندن هم‌کلاسی‌هایش، این چالش را آغاز کرد. پای این چالش به زندگی سیاستمداران، هنرمندان، ورزشکاران و ستاره‌های زیادی باز شد و میشل اوباما و ستارگان ورزشی آمریکایی هم در کاخ سفید به استقبال این چالش رفتند. این چالش اما زمانی عجیب شد که حتی فضاوردان فرانسوی هم آن را اجرا کردند. حالا باید متوجه شده باشید که چرا می‌گوییم چالش مانکن، بزرگ‌ترین چالش سرگرم‌کننده فضای مجازی بوده است.

● لیس زدن بستنی در فروشگاه اما بعضی چالش‌ها از حالت مسخره‌کنندگی، خاسخ و احمقانه می‌شوند؛ مثل چالشی که این روزها در آمریکا باب شده است. ماجرا از انتشار یک ویدئو در فروشگاه‌های زنجیره‌ای «المارت» آمریکا آغاز شد؛ ویدئویی که در آن خانمی، ظرف بزرگ بستنی بزرگ‌ترین چالش سرگرم‌کننده دنیا بود که سر از بیشتر کشورهای جهان درآورد و مختص قشر خاصی از مردم

● به چالش‌های الکی، بها ندهیم در کشور خودمان نیز چالش‌های سرگرم‌کننده کم نبوده است؛ چالش‌هایی مثل عکس بدون آرایش، عکس ۱۰ سال قبل، صدا زدن گرچه‌ها به نام «مجید» یا عکس محتویات کیف. اما اینکه یک چالش بدون هدف و به قسول امروزی‌ها صرفاً فان، سر از تلویزیون دربیورد، به‌نوعی مهر تاییدی است بر رواج این رفتارها، این در حالی است که خیلی‌ها از این چالش‌های الکی، آسیب‌های جدی به‌دنبال دارد. از تصادف و مصدمیت بگیرد تا آسیب‌های فرهنگی؛ درست مثل چالش زشتی که این روزها بین برخی کاربران ایرانی باب شده است و در آن از شرکت‌کنندگان می‌خواهد تا آهنگی را که حاوی کلمات رکیک است، جلوی والدینشان پخش کنند و از واکنش آن‌ها فیلم بگیرند! امیدوارم چند وقت دیگر مجری برنامه صبحگاهی تلویزیون، این آهنگ را جلوی میهمان برنامه پخش نکند تا بخواهد واکنش او را ببیند.

● چالش پرتلفات معروف «کی‌کی» که زمانی زیادی نمی‌گذرد؛ چالشی که خسارت‌های مالی و جانی بسیاری به‌دنبال داشت و متأسفانه در ایران هم تعداد شرکت‌کنندگان درخور توجه بود. کی‌کی، آهنگ مخصوص خودش را داشت و شرکت‌کنندگان باید برای مدت زمان کوتاهی حین رانندگی و حرکت خودرو از ماشین پیاده می‌شدند و بعد از انجام حرکات موزون، دوباره سوار خودرو می‌شدند. ویدئوها از نمای داخلی ماشین گرفته می‌شد و تعداد تصادفاتی که به‌دنبال این بی‌احتیاطی رخ داد، بسیار زیاد بود. شرکت در این چالش در

- قابلیت جدید اینستاگرام: نمایش ندادن نظرهای توهین‌آمیز
- یک کاربر: یعنی درسته این همه علم و فناوری پیشرفت کنه، ولی ما آخرش هم فحش‌امونو روی درودیوار دستشویی‌های عمومی بنویسیم!؟
- مستند جیسون رضاییان از شبکه ۳ سیما پخش می‌شود.
- صداوسیما: آخه سریال گاندو به‌تنهایی نمی‌تونست منافع جناحی ما رو تامین کنه، گفتیم مستندش رو هم بسازیم!
- قیمت میوه کاهش یافت.
- آخ جون! ولی حیفا دیگه یادمون نیمااد انگور رو باید با چاقو پوست کنیم یا اینکه باید قاچش کرد؟
- وزیر اقتصاد: دریافت مالیات از سکه، قانونی است. وی درحالی‌که داشت یک دسته اسکناس می‌شمره، افزود: منم که خودتون می‌دونید! عاشق قانونم!
- پیرمرد صدساله و بانوی سالخورده صدوساله عاشق هم شدند و با هم ازدواج کردند.
- این زوج عاشق گفتند: البته ما ۸۰ سال پیش عاشق هم شده بودیم، اگر روند گرفتن وام ازدواج طول نمی‌کشید، همون موقع ازدواج کرده بودیم!
- کله ونگ
- مشتبتا نخعی براد



تأموره‌دیری، غم‌پذیری

داداش غمت ره نبینم، خودم آستین ورم‌مانم و مژم برات تبلیغ مکنم. با شما می‌«جواد رضویان» که وقتی ازت مژم‌سن تلویزیون تبلیغ فیلمته پخش مکنه یا نه، مخندی و مگی: «بگ دغه دیدم دره زبر نویس مره. ولی اوچور تبلیغی پخش نمیره. فک کنیم میخن خرجشا بالا نزنه!» بر مو فنتی ندره، بچه‌های سی‌متری اول و دوم، بچه‌های خواجه‌ربی و بچه‌های تی‌بی‌تی ره جمع مکنم و ورم‌مژم اونجه فیلمته نگا مکنم. فقط خیلی معذرت، ننگتن لیش چنده؟ جان مشتبتا؟ یزه چه خبره؟ مگه اونجه درن زعفرون قاطیش مژمن که ایقده گرون رفته؟ ایچور بشه که مو با عیال بژم اونجه و بگ کیس نوشابه هم بخرم، پینجاه هزار تمن مره! یزه با پینجاه هزار تمن، مو پینجاه دغه مژم طریقه و ورم‌مژم! حالا مشکل ندره. نیمخه خون خودته کیشف کنی. تا مو ره دری، غم ندری، همینجه ازش بنویسیم، اقل کندش بگ میلیون نفر مخوانن و مین اونجه بعدشم مژم جلو سینما وامستیم، هر کی ره دیدم که میخه زیر جولی بزه بگ فیلم دگه ببینه، یقه‌اش ره چسبیم و یز که ره به‌زور مفرستیم که فیلم توره ببینه! فقط اسمش چی بود که بدشا بگم؟ «زهرمار»؟ یا مویی؟ دری فش مدی؟ ولیم بدن، موره ایچور نبین. بگ فش‌های ناشوری بدت مدم که از توک یا تا فریق کله‌ات سرخ بره... ها «زهرمار» اسمت فیلمته؟ یزه ترسوندی موره، از اول بوگو. بگ حرف فشتگی هم زدی که حال کردم. دیدم وقتی نظرت به چیزایی که منتقدان بر کمیدی مکن، پرسیدن، بدشا گفتی: «منتقدان وقتی درباره کمیدی حرف مزنن، فک مکنی درن درباره ویا حرف مزنن. مو خودم ره درم هلاک مکنم که فیلم نقد اجتماعی بره و حرف بر گفتن دشته بشه.» حرفت ره بایس طلا بیگیرن ددش. بخدا مویم وقتی از مژم‌سن اونجه تو شهر آرا چی منویسی، بدشا مگم طنز منویسیم، بگ جوری نگات مکنن که انگار دری اونجه شیلنگ تخته‌مندی! یزه ما ایقده درم خنک منویسیم که بختندن دگه، بختندیدن، اقل کندش خنک برن.

اسپیناسی	البومی از هکتور برلویوز همدستی	رایجه محله نامی دخترانه	لیالب ابرار نقاشی عمیق	همدم
بهار	بیدار کردن واحد اختلاف مطع الکتریکی	بلوغ	توبه	
رکب چاهی در جهنم	مفلس تر	مقلس تر	مفلس تر	
مکان	کیسه‌گاه چهارپایان خاندان	پدر ترکی	پدر ترکی	
موردعلاقه راننده تاکسی	موردعلاقه راننده تاکسی	حیله	حیله	
ورزشی گروهی با توپ در آب	دستوری	انگور	انگور	
		خشک‌شده	خشک‌شده	

جدول ۲۷۱۶

shahr.puzzle@shahrara.com

پاسخ جدول ۲۷۱۵

برمه سابق	ب	ب	م	س	م	م	ب	ک
ایران در سالی هادی	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
نیرون	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن
راور	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر
سمچ	س	س	س	س	س	س	س	س
اسب	ا	س	ب	ا	و	ب	ق	ص
ان	ا	ن	ا	ر	ک	ت	ی	ک
دومستان	د	و	م	س	ت	ا	ر	ا
پ	پ	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن
لا	ل	ا	ز	ا	م	ا	ا	ا
کرم	ک	ر	م	ا	ن	ش	ا	ه
جوخ	ج	و	خ	ه	م	ی	ن	ی

با هم بشویم؟ ای وای کی فوتره؟ همبر هیرار ترانه‌اش از کیه؟ ساره رسولی آهنگ سازش کیه؟ فخر هیرار سن و عاشق پیوه؟ عاشقانه شار. نوشمال طور، ریتم سر شوشانه